

بررسی خوان چهارم رستم و اسفندیار

شکوفه باغبان

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی و دبیر دبیرستان‌های سمیرم

چکیده

هفت‌خوان رستم و اسفندیار از جمله بخش‌های جذاب شاهنامه فردوسی است. نگارنده با بهره‌گیری از عقاید شاهنامه‌پژوهان معروف، مقاله حاضر را تدوین و تألیف کرده است. چگونگی برخورد پهلوانان حماسی ما با زن جادو و جزئیات مربوط به این ماجرا از جمله مباحثی است که این پژوهش به تحلیل آن می‌پردازد.

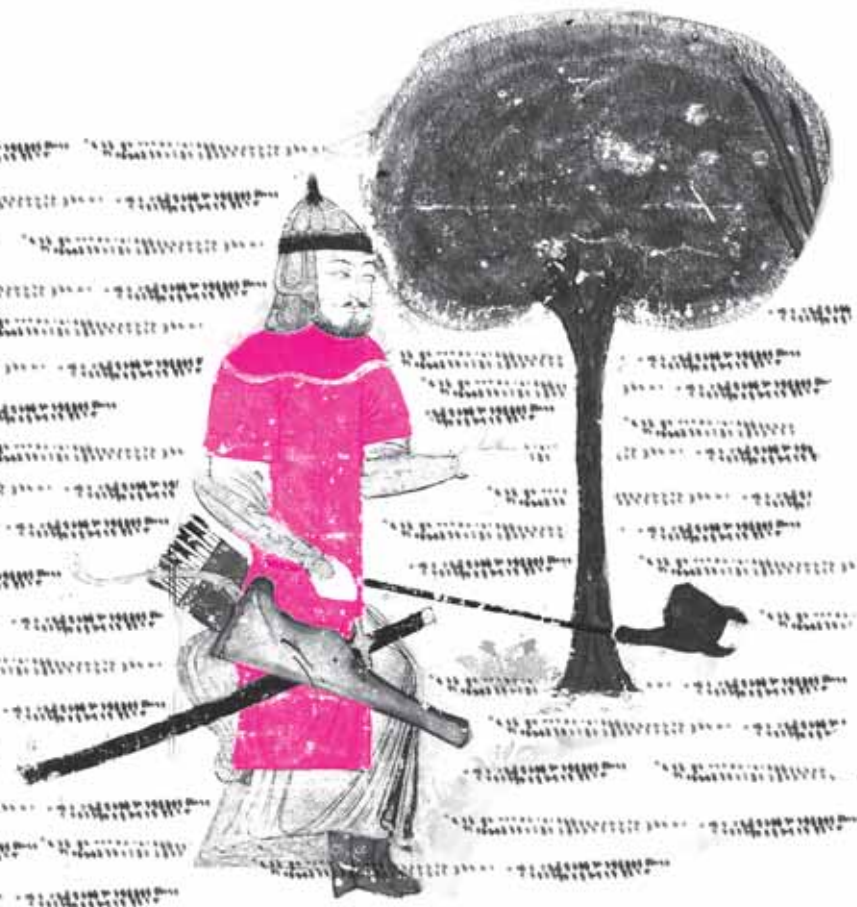
کلیدواژه‌ها: هفت‌خوان، رستم، اسفندیار، خوان چهارم، زن جادو

مقدمه

رستم برای رهایی کیکاووس از بند شاه

مازندران و اسفندیار برای آزاد کردن خواهرانش از دست ارجاسب تورانی هفت منزل خطرناک را پشت سر می‌گذارند، نبرد با شیر، اژدها و کشتن زن جادو از جمله مراحل مشترک بین دو پهلوان است.

رستم در سفرش به مازندران، پس از گذشتن از خوان سوم و کشتن اژدها، در کنار چشمه‌ای شروع به خواندن و نواختن می‌کند. زن جادو با شنیدن ناله‌های رستم خود را به شکل زنی جوان و زیباروی در می‌آورد و نزد رستم می‌آید. رستم با دیدن او خدا را شکر می‌کند. جام شراب را پر می‌کند و به دست زن جادو می‌دهد و نام خدا را بر زبان می‌آورد. زن با شنیدن نام خدا تغییر چهره می‌دهد و به گنده‌پیری زشت تبدیل می‌شود، رستم



او را به کمند می‌اندازد.

اسفندیار نیز در مسیر سفرش به رویین‌دژ، در بیشه‌ای زیبا شروع به نواختن تنبور و گله از زمانه می‌کند. زن جادوگر با شنیدن صدای او خود را به شکل ترکی زیباروی در می‌آورد و نزد وی می‌آید. اسفندیار زنجیری را که زرتشت به او داده است، در گردن زن می‌اندازد. زن ابتدا به شیر و سپس به گنده‌پیری زشت و تباه تبدیل می‌شود. اسفندیار با خنجر بر سرش می‌زند و او را نابود می‌کند. با مردن زن جادو آسمان تیره می‌شود و باد و گردی سیاه برمی‌خیزد.

تحلیل داستان

روبه‌رو شدن رستم و اسفندیار با زن جادو از نمونه‌های آنیما در شاهنامه است؛ این زن برخاسته از ذهن و ضمیر ناخودآگاه پهلوانان و بازتاب امیال و آرزوها و تمایلات جنسی سرکوب شده آن‌هاست. فرانسویان این تجسم شخصیت عنصر ماینه را «زن شوم» می‌نامند که در این افسانه اهالی سیبری به خوبی نمایان است:

روزی یک شکارچی تنها، زنی زیبا را می‌بیند که از درون جنگل آن سوی رودخانه بیرون می‌آید. زن شکارچی را به سوی خود می‌خواند. شکارچی شناکنان از رود می‌گذرد اما به ناگاه زن به جغد تبدیل می‌شود و با خنده‌ای تمسخرآمیز پرواز می‌کند. شکارچی می‌خواهد راه رفته را برگردد که در میان آب‌های منجمد رودخانه غرق می‌شود.

در این قصه عنصر مادینه نماد رؤیای موهوم عشق، نیک‌بختی و گرمی مادرانه است که باعث می‌شود مردان به واقعیت پشت کنند و شکارچی از آن رو غرق می‌شود که در پی تخیلات دست‌نیافتنی خود بوده است. (یونگ، ۱۳۷۷: ۲۷۴) اما در روبه‌رو شدن رستم و اسفندیار با زن جادو چنین اتفاقی نمی‌افتد؛ یعنی پهلوانان قبل از اینکه زن جادو به هدفش برسد، بیدار می‌شوند. زن جادو از گروه زبان‌کارانی است که برای فریفتن مردان ظاهر می‌شوند. آن‌ها از گروه پریان هستند که دارای منشی مبهم و سرشتی شرور و بدخواه‌اند. فردوسی زن جادو را غول می‌نامد:

«ورا غول خوانند شاهان به نام

به روز جوانی مرو پیش دام» (ص ۶۹۳، ب ۱۱۸۶)

«به این ترتیب، حماسه‌سرای ایرانی این‌گونه ساحره‌ها را تالی غولان آدم‌خوار - که در اصل به فرهنگ عامیانه اعراب صحرائین تعلق دارند - می‌شمارد.» (کریستن سن، ۱۳۵۵: ۹۸)

رستگار قشایی به نقل از زرین کوب می‌نویسد: «غولان نیز از جنیان شمرده می‌شدند که بسیار هول‌انگیز بودند و در بیابان‌های دور، در کنار چشمه‌ها و زیر بوته‌های مغیلان کمین می‌کردند و گاهی مردم را از راه به در می‌بردند و در بیابان‌ها هلاک می‌کردند. این غولان می‌توانستند خود را به هر صورتی که می‌خواستند، درآوردند و مردم را فریب دهند و به هلاکت برسانند.» (رستگار قشایی، ۱۳۸۳: ۲۰۹) بنابراین، زن جادو را می‌توان از گروه غولان، پریان یا اجنه دانست که قصد فریب پهلوانان را دارد.

قدمعلی سرامی مقایسه‌ای بین هفت‌خوان رستم و اسفندیار انجام داده است. خلاصه مقایسه‌ی هفت‌خوان چهارم این است که ۱- اسفندیار در برخورد با زن جادو هوشیارانه عمل می‌کند اما رستم خود را می‌بازد. ۲- اسفندیار به کمک زنجیر بهشتی خود و رستم با کمند خویش زن را به دام می‌اندازد. ۳- اسفندیار پیش از اینکه زن تغییر چهره دهد، او را به دام می‌اندازد اما رستم پس از سیاه شدن روی جادوگر او را به کمند می‌افکند. ۴- در هفت‌خوان اسفندیار پس از کشته شدن زن جادو آسمان تیره می‌شود اما در هفت‌خوان رستم هیچ اتفاقی نمی‌افتد. ۵- زن جادو در هفت‌خوان اسفندیار بعد از اسیر شدن، تبدیل به شیر و سپس اهریمنی زشت‌خو و پیر می‌شود

اما در هفت‌خوان رستم چنین واسطه‌ای وجود ندارد.» (سرامی، ۱۳۶۸: ۱۰۲۰)

چگونگی باطل شدن جادو

این جادو از نوع جادوهای اهریمنی است و چگونگی باطل شدن آن‌ها نیز متفاوت است. زن جادو می‌توانست رستم را به دام اندازد و این عشق‌بازی رستم را اسیر می‌کرد اما خداوند رستم را از خطر نجات داد. رستم تمام نیروها را متعلق به خدا می‌داند و مانند جمشید و کیکاووس خود را هم‌ریدف کردگار جهان نمی‌شمارد. این پیروزی پادشاه ایمان او به پروردگار جهان و تواضع و فروتنی اوست. براساس روایات دینی نیز برای پرهیز از دام جادوان باید به خدا پناه برد و رستم چنین می‌کند.

برخی خوان چهارم را جلوه‌ای از دنیای فتن می‌دانند که با جام‌های گوناگون از ثروت و شهوت، فرزند و زن، جاه و مقام و ... قصد فریب انسان را دارد و در نبرد با جادوی خوش‌نمای دنیا، هیچ تیغی برنده‌تر از ذکر خدا نیست. (بصیری، ۱۳۸۶: ۱۷) عده‌ای نیز هفت‌خوان را تعبیری دیگر از هفت مرحله عرفان می‌دانند که به جای هفت‌خوان بر سر راه سالک، هفت هزار خوان بلا نهاده‌اند و کمتر کسی از زایل به مازندران می‌رسد. سالک باید با مجاهدات بسیار بر دشواری‌ها چیره شود و خود را از شیطان هوی و هوس برهاند. اینکه پیروی خضروار سالک را هدایت می‌کند، همان دخالت نیروهای متافیزیکی در حماسه است. پیر مظهر خدای مدافع قهرمان است. (رضا، ۱۳۷۴: ۱۲۳؛ شمیسا، ۱۳۸۱: ۱۲۰) در نبرد رستم با هوای نفس، ذکر نام خداوند، همچون پیروی راهنما و نیروی متافیزیکی به یاری قهرمان می‌آید.

اما جادوی خوان چهارم اسفندیار به کمک زنجیری آهنین که زرتشت به اسفندیار داده و محافظ او در مقابل خطرات است، باطل می‌شود. زنجیر اسفندیار را می‌توان جزو ابزار آلاتی دانست که دارای خاصیت جادویی است و می‌تواند او را از پلیدی‌ها و نیروهای اهریمنی آگاه و دور کند. از دیرباز مردم عقیده داشتند که آهن، جادو و سحر را باطل می‌کند. در میان عوام هنوز این عقیده وجود دارد که جنیان از آهن می‌ترسند و اگر ما زن جادو را از جنس پریان بدانیم، می‌توانیم این اعتقاد را بپذیریم. «دوبو کور» می‌گوید: «در همه تمدن‌های جهان، مردان و زنان، زنده و مرده، انواع و اقسام گردن‌بند، خواه بس ساده و خواه بس شکوهمند، بر گردن آویخته‌اند، چون در آغاز گردن‌بند، طلسمی دارای خواص جادویی تلقی می‌شد.» (دوبو کور، ۱۳۷۶: ۹۷) بنابراین، زنجیر اسفندیار را از نوع گردن‌بندهای جادویی می‌دانیم که تعلق خاطر آدمی به آسیب‌ناپذیری را هم نشان می‌دهد.

پیکرگردانی

«هدف کلی پیکرگردانی‌ها متفاوت و به وسعت آرزوها، تفکرات و نیازهای مادی و معنوی انسان است که با زبان رمزی و نمادین اساطیری دنبال می‌شوند.

دنباله مطلب در وبگاه نشر به